



لالایی‌هایی از بوشهر

ناهید جهازی

در زمینه اشعار فولکلوریک لالایی‌ها باید گفت که غالب دوبیتی‌هایی که در نواحی مختلف ایران مورد توجه قرار می‌گیرد مشابه و گاهی یکی هستند و در این میان خصوصیات اقلیمی به نحو بارزی خود را نشان می‌دهد.

گهواره و همزمان با آن به خواندن لالایی می‌پرداخت. علی‌بابا چاهی - شاعر بوشهری - در کتاب شروه‌سراییی در جنوب اشاره می‌کند که در لالایی‌ها غالباً از دوبیتی‌های فولکلوریک استفاده می‌شود که مرز آنها معمولاً از دوبیتی‌های شروه‌جداست. از طرفی شباهت‌هایی بین لالایی‌های نواحی مختلف ایران دیده می‌شود. در زمینه اشعار فولکلوریک لالایی‌ها باید گفت که غالب دوبیتی‌هایی که در نواحی مختلف ایران مورد توجه قرار می‌گیرد مشابه و گاهی یکی هستند و در این میان خصوصیات اقلیمی به نحو بارزی خود را نشان می‌دهد. در این لالایی‌ها لهجه و واژه‌های محلی به چشم

در تابستان ۱۳۸۷ که مشغول گردآوری افسانه‌های جنوب بودم، به روستاهای بوشهر سفر کردم. در بوشهر چهار منطقه بزرگ شامل شهر بوشهر، منطقه دشتی، منطقه دشتستان و منطقه تنگستان وجود دارد. شهرهای گناوه، کنگان و جم‌وریز هم شهرهای بزرگی هستند که البته جزو این مناطق محسوب نمی‌شوند، اما هر کدام دارای فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود هستند. وجود آشنایانی در منطقه دشتی مرا به سفر به این منطقه واداشت.

در کنار گردآوری افسانه‌ها، فرصت را غنیمت شمردم و از قصه‌گویان و راویان محلی درخواست کردم لالایی‌هایی را که برای کودکان می‌خوانند، برایم بیان کنند. البته بی‌هنگام بودن زمان خواندن لالایی‌ها و شرم و حیای خواننده اندکی از زیبایی لالایی‌ها کاست، اما شباهت بین لالایی‌های روستاهای مختلف، نشان از سفر لالایی‌ها به مناطق مختلف داشت. در مواردی برای ایجاد فضای لازم برای بیان لالایی‌ها، کودکی در گهواره چوبی یا آهنی قرار می‌گرفت و مادر با تکان دادن

می‌خورند، اما واژه‌های محلی فراوان نیست و این لالایی‌ها به زبان رسمی نزدیک است؛ همچنین به لالایی‌های شهرهای مختلف شباهت فراوانی دارند که خود نشان از وجود یک روح جمعی در میان زنان ایران است؛ همچنان که افسانه‌های شهرهای مختلف ایران به هم شباهت فراوانی دارند.

در قسمت دوم لالایی‌ها، لالایی‌های حضرت علی‌اصغر(ع) آمده است. حضرت علی‌اصغر(ع) که در روز عاشورا و در کربلا به شهادت رسید، بنا به روایات، طفلی شش‌ماهه بود. در مراسم زنانه‌ای که در ماه محرم در بوشهر برگزار می‌شود، در ده شب اول، در این مجالس، زنان گهواره‌ای چوبی را وسط مجلس قرار داده، نوحه‌خوان زن در حالی که عروسکی - شبیه حضرت علی‌اصغر(ع) - را که با پارچهٔ سبز درست کرده‌اند، در دست دارد را بالای سر برده و به چپ و راست تکان می‌دهد و برای آن لالایی می‌خواند.

بسیاری از زنان برای تولد کودکی سالم، یا بازیافتن سلامتی کودکشان نذر می‌کنند و نوزاد را در گهواره قرار می‌دهند و زن نوحه‌خوان، برای طفل لالایی می‌خواند و مادر طفل در پایان میان حاضران شیرینی پخش می‌کند.

در لالایی‌های بوشهر علاقه به مذهب و به خصوص امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) دیده می‌شود.

سر کوه بلند تنگ پلنگه

صدای ناله توپ و تفنگه

جوانون خوش بگویند خوش بخندید

نمی‌دانید که بالشت قیومت تخته سنگه

دی سر کوه بلند وایساده بودم
سر کوه بلند ستاره بسیار
سالار قافله کی می‌کنی بار

دی سالار قافله لنگار لنگار
ستاره هم می‌کشه ماه دیندار
دی رودم لالا جونم لالا

دی روزی مدد صحرا ی عینم
کنیز ذات بر ذات حسینم
دی رودم لالا جونم لالا

دی مدد روزی که در شهر مدینه
کنیز در به در جان حسینم
دی لالا رودم لالا

دی سحر شد و سحر خیزم نیومد
سوار پشت شب خیزم نیومد
دی لالا رودم لالا

نمی‌اومد هستی وفادار
خدایا ترک خون ریزم نیومد
دی رودم لالا جونم لالا

مولالات می‌کنم لالای همیشه
پلنگ از کوه بناله شیر و بیشه
بنالم چه پلنگی تیر خورده
چه تیری که دم زنجیر بسته
دی لالا رودم لالا

دی مولالات می‌کنم تا زنده باشی

کنیز حضرت فاطمه باشی

دی لالا دی رودم لالا

مولالات می‌کنم لالا شب‌انده (آمده)

شکر بسیار کبوتر گل گل‌انده

دی رودم لالا جونم لالا

دی شکر بسیار که بادام اندکی بی

کبوتر گل و گل شاهون یکی بی

دی رودم لالا جونم لالا

شاه منبر بشی ناز

کفش پیغمبر بشی ناز

دی رودم لالا جونم لالا

دی بچه‌ام لالا رودم لالا

دی مولالات می‌کنم تابی بلا بو (بدون بلا باشی)

نگه دار شب و روزت خدا بو

بغل‌گیرت علی مرتضی بو

دی رودم لالا جونم لالا

مرکب رشته‌ای تو

مگر از عهد خود برگشته‌ای تو؟

تو خو دین مسلمونی نداری

مگر در شهر کافر گشته‌ای تو

آ یارا مهجر کج بر سر انداز

مسلسل‌ها (گیس‌ها، پل‌ها) ز دور گردن انداز

گذر کردی بر چشمان فایز

تو را با سازمایی لنگرانداز

عجب ابر بتی که بر سر آید

زدور شهر بندر کافر آید

علی اومد علی با شاه سوارونش دیاره (پیداست)

علی با نامه دارونش نامه داره

علی که می‌کنه کافر مسلمون

علی کافر کشته دلدل سواره

دی لالا دی لالا دی لالا رودم لالا

علی در چه اعظم سر کشید

سر زلفش به آب زر کشید

علی کافر کشته دلدل سواره

علی با نامه دارون نامه داره

علی با شاه سوارون شاه سواره

لالا رودم لالا عزیز تو دلم لالا

مولالات می‌کنم تا تو بمونی

مواز عشق تو کردم باغبونی

علی دیدم علی در خواب دیدم

علی در مسجد و محراب دیدم

علی دیدم سوار دلدلش بو (بود)

چو قنبر با رکابش می‌دویدم

لالا لالا گلم باشی

عزیز تو دلم باشی

اول نام خوشت الله گویم

دوم پیوسته حال با خدا گویم

سوم صلوات بر روی محمد

چهارم حیدر کرار گویم

لالا لالا رودم لالا

عزیز تو دلم لالا

خوش از اون‌ها که الله یارشونه

دمادم قول هو الله کارشونه

خوش از اون‌ها که دایم با نماز

بهشت و جنت بازارشونه

لالا لالا رودم لالا عزیز تو دلم لالا

مو لالات می‌کنم تا ماه درآید

که بابات سفران (است) خیری بیاید

محمد سروره سالاره دینه

امیرالمؤمنین نور رب العالمینه

علی که می‌کنه کافر مسلمون

خدا بخشنده کلّ جوانون

لالا لالا عزیز تو دلم لالا

مو لالات می‌کنم تا زنده باشی

غلام حضرت معصومه باشی

لالا لالا رودم لالا عزیز تو دلم لالا

سر کوه بلند من باشم و تو

امیرالمؤمنین مشکل‌گشا بو (باشد)

عزیزم لالا لالا

رود نادونم لالا لالا

خداوندا تو نگهدار رودم باش

الله و محمد و علی، شمس و قمر و خدا نگهدار رودم باش

لالا لالا بچه‌ام لالا

رود نادونم لالا لالا

سر کوه بلند فریاد کردم

امیرالمؤمنین را یاد کردم

امیرالمؤمنین یا شاه مردان

سلام از سید سالار کردم

لالا لالا رودم لالا

عزیز نادونم لالا

لالا رودم عزیز دلم

رودم مو لالات می‌کنم تا زنده باشی

غلام حضرت معصومه باشی

رودم مو لالات می‌کنم تا زنده باشی

عزیز دلم لالا رودم لالا

عزیزم مسلمانان مگر امشب چه وقت است

که بلبل مست و شیدای درخت است

رودم لالا عزیز دلم لالا

لالای لالا لالی لالا

عزیزم گلی خواستم رودم

اگر نه خار بسیار

گلی خواستم وگرنه

سایه دیوار بسیار

لالا مو لالات می‌کنم لالای همیشه

لالای عزیز دلم لالا

مولالات می‌کنم تا زنده باشی

عزیزم کنیز حضرت معصومه باشی رودم

رودم لالا عزیز دلم لالا لالا

عزیزم لالای رود لالای

بچه‌ام لالای رود

علی دیدم علی در خواب دیدم

علی در مسجد و محراب دیدم

علی دیدم - رود - سوار دلدل اش بود

رودم - چو قنبر با رکابش می‌دویدم

رودم - علی که می‌کنه کافر مسلمون

رودم لالا رود لالا

خدا بخشنده کل جوانون رودم لالا

مادر، مو بزرگت می‌کنم یادت نمیداد

رولالا رودم لالا

عزیزم بر سر کوه بلند فریاد کردم

امیرالمؤمنین در یاد کردم

رود لالا

رودم امیرالمؤمنین با شاه مردان

سلام بر گنبد سادات کردم

رودم مو لالات می‌کنم رود-والله - خوابت نمیداد

بزرگت می‌کنم یادت نمیداد رودم لالا

عزیزم مو لالات می‌کنم لالای

عزیزم شبی که با تو بودم یاد از آن شب

شبی که با تو بودم فریاد از آن شب

لالا لالای

عزیزم رود لالا لالا رود جونوام لالا

عزیز دلم لالا رودم لالا

لالا پسین گاهی که جانم کم کم آمد

به بالین سرم مرد و زن آمد

عزیزم رود- به بالین سرم منشین و مگری

که هر چه از خدا اومد خوش اومد

رودم لالا لالای

عزیز دلم لالا رود لالا

لالا رفیقم رفته و خوم(خودم) بی رفیقم

رفیقم رفته و خوم بی رفیقم

رفیقم رفته و سامان رفته

شب و روز می‌کنم یاد از رفیقم

لالا لالای به خواب ای نازنین رود لالا



عزیزم مسلمانون - واللہ - ندارم صبر و طاقت

روزگار کجایی دانم غریبان سرو قدام روم لالا

عزیز تو دلم لالا رود لالا لالا

واللہ شب هجران درازن وای بر خوم

عزیزم خواب نازن وای بر خوم

لالا لالا لالا

واللہ بخون مرغ سحر بیدار می شه

مو دردم چون گدازه وای بر خوم

رودم لالا لالایی عزیز دلم لالا لالایی

بگو تا دلدل حورم بیایه

سفیدی نازک بورم بیایه

دمی که می برند تابوت مو

بگو تا بر لب گورم بیایه

سلام ای صد سلام

ای گبک مستان

میون گبکها دل با تو بستم

تموم گبکها رفتند به بازی

من بیچاره پابست تو هستم

لالاییات می کنم دسته گل مو

به غربت رفته ای جان و دل مو

به غربت رفته ای بسیار منشین

که غربت پیر می شی آخر دل مو

دلا کردم نصیحت چند بارت

که با خوبان نیست کارت

نصیحت کردم و نشنیدی از من

پربیشان کرد خوبان روزگارت

بلند بالا شدم دیوونه تو

قرق کردی نیایم خونه تو

قرق کردم برم مسجد بخوابم

کنم در مسجد و دلی خونه تو

بلند بالا به بالات اومدم مو

هوای خال لبهات اومدم مو

شنیدم خال لبهات می فروشی

گلی دارم به سودات اومدم مو

رودم از دور میاد نعلین به پاشه

دو خال هاشمی کنج لباشه

مو دست بردم بگیرم خال لبهات

به لب خندید به ابرو گفت نه جاشه

رود بالا بلندم کی می آیی

رفیق روز تنگم کی می آیی

مرا از عشق تو بردند به زندان

به وقت رفتنم شد کی می آیی

گرگ تو بره

صحرای دیری

تا رود مو بکنه لالای سیری

گرگ تو بره

اینجا نه جاته

بره اونجا که گله نهاته (جلویت است)

لالا لالا گل پونه

گدا اومد در خونه

نونش دادم خوشش اومد

خودش رفت و سگش اومد

چخش کردم بدش اومد

لالا لالا گل لاله

پلنگ در کوه چه میناله

لالا لالا گل گردو

بابات رفته توی اردو

لالا لالا گل کنگر

بابات رفته توی سنگر

لالا لالا گل فندق

بابات رفته سر صندوق

لالا لالا گل خشخاش

بابات رفته خدا همراش

لالا لالا گل زیره

بابات رفته زن بگیره

لالا لالا گل نازی

بابات رفته به سربازی

لالا لالا گل نعناع

بابات رفته خودش تنها

مولالات می‌کنم تا زنده باشی

غلام حضرت فاطمه باشی

مولالات می‌کنم ای ناز ای ناز

که رودم سبزو جرّه باز

خداوندا جرّه بازم نگه دار

مولالات می‌کنم لالی خشت بی

بلا دور از جمال و مهوشت بی

مولالات می‌کنم لالی همیشه

پلنگ از کوه بناله شیر بیسه

پلنگ از کوه بناله درد دندان

الهی دشمنای بچهام بنالند درد پنهنون

نوم (نام) خدا نوم رسول

تا بترکه چشم حسود

ای حسود جایی بمونه

نشونه بانگ محمد و رسول

هر که نگه ماشا الله خونه اش بسوزه شالله

هر که نگه نوم خدا چشمای بیناش و در آر

ماشالله ماشالله

هرچه خوردی خشی نو

همه په و همه گوشت

گوشت اومه چنه چنه

ری رودم واپتنه

لالا لالا لالایی

مولالات می‌کنم ای ناز ای ناز

که رودم سبزه و جرّه باز
خداوندا جرّه بازم ننگه دار
عزیزم لالا رودم لالا لالایی

مولالات می‌کنم لالای همیشه
پلنگ از کوه بناله درد دندان
الهی دشمنای بچام بنالن درد پنهنون

لالایی بچام لالای لالای رودم لالا لالا
مولالات می‌کنم تازنده باشی
غلام حضرت فاطمه باشی

در ادای اشعار، لهجه و واژه‌های محلی به خوبی
مشهود است:

بکن لالا بکن جون مولالا
شمال باغ ملا، منزل مو
شمال باغ ملا نخلسونن
که عمر آدمی آب رونن

مولالات می‌کنم شبهای زمستون
که رودم کوچیکن، میوه گلسون
مولالات می‌کنم رودم برارم
به امید دل پروردگارم

مولالات می‌کنم تا تو بمونی
بری در مکتب و قرآن بخونی
مولالات می‌کنم تا زنده باشی
کنیز حضرت معصومه باشی

سر کوه بلند نی میزنم، نی
شترگم کرده‌ام و پی می‌زنم پی
شترگم کرده‌ام و با بار کاشی
گلی گم کرده‌ام شاید تو باشی

لالایی‌ها ضمن اینکه پیش‌زمینه به‌خواب‌رفتن
کودکان به حساب می‌آیند، از طرفی بیان آرزومندی‌های
مادران زحمتکشی هستند که امیدهای برنیامده خود را در
این گونه آوازاها و در وجود طفل نازنین خود دنبال
می‌کنند و از نظر موسیقی‌های محلی نیز جالب توجه‌اند.

مولالات می‌کنم خوابت نمیاد
بزرگت می‌کنم یادت نمیاد
مولالات می‌کنم شب زنده دارون
به امید دل امید وارون

لالایی برای حضرت علی اصغر(ع)

در لالایی‌های بوشهر از حضرت علی اصغر(ع) نیز یاد
می‌شود. در این گونه لالایی‌ها از این طفل شیرخواره و
مصائب خاندان امام حسین(ع) به گونه‌ای حزن‌آور سخن
به میان می‌آید:

لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
بده مادر علی اصغر بگیرم همچو جان در بر
لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
علی اصغر بگیر از من علی اصغر که دیگر ناید در بر
لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
نمی‌خوابی چرا امشب سرشک از دیده تر داری
لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
چو قمری می‌زنی کو کو گمانم این خبر داری
لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای

فردا میشود بابت حسین بیکس در این صحرا
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 علی اصغر تو هم دیگر تو هم گویا دگر عزم سفر داری
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 در این شب ناله چون نی برادر تا سحر داری
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 به چشمت آشنان اول چرا خواب ای عزیز من
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 در این شب ناله‌ها چون نی برادر تا سحر داری
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 تو بودی بلبل یثرب شنیدی از توام صحرا
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 تو بودی بلبل شیدا ز یثرب تا به این صحرا
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 چو دیدی در این غربت تنها گذشتی از سر و پیکر
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 ز بی‌آبی و بی‌خوابی ببین شیری لب خشک چون لعل
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 فدای چشم شهلایت چو مطلب در نظر داری
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 بکن صبرو فغان منما که بابایت جگر خون است
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 اگر در فکر فردایی هنوزم سایه سر داری
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 چرا اینگونه بیتابی نمی‌خوابی دمی امشب
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 که صیادی از کمین گاهی تو فردا از قدم داری
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای

غریب از باب مظلومت مکن آرا ز مژگان دیده ات امشب
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 اگر فردا ز بی‌آبی چنان آب روان گشتی
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 بکن از غربت بابت به جان خود خبر داری
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 بگیر امشب سرش بیرون نه آرامی به مظلومی باب خود
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 علی رود علی رود علی رود
 مادر بمیرم چرا به دامن من یا نمی‌زنی
 ای عزیز دلم
 روزگار نمی‌شینی با رود به بازی نمی‌کنی چه کنم
 علی رود
 چه زحمت‌ها که در پایت کشیدم رود جونی
 عزیز من - عزیز دلم - به غربت‌ها به دنبال تو دویدم
 رودم ای رود علی رود
 عزیز من مگر شیرم به حسرت داده بودم
 مادر- عزیزم تو را از بهر کشتن زاده بودم رودم ای
 رود رود لالا
 بده مادر علی اصغر بگیرم هم چو جان در بر
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 ببوسم روی آن سرور برادر جان علی اصغر
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 بگیر از من علی اصغر که دیگر نایدش در تن
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 ببین لعل لب وی خنجر و جونم چگونه خوابی کرد از غم
 لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای
 فدای چشم شهلایت فدای روی زیبایت

لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای

فدای قد و بالایت برادر جان علی اصغر

لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای

بشین یکدم علی اصغر بکن بازی تو با خواهر

لالا لالای گلم لالای لالا لالای علی لالای

لب لعل تو پژمرده لالا لالای علی لالای

چو پیکان خنجرش خورده

لالا لالای گلم لالای

که صحرا تاج و تخت برده

ربوده هوش تو از سر

لالا لالای رودم لالا لالا لالای علی لالا

عمه عمه، جان عمه جان فدای شادیت

من نبستم در مدینه حجله دامادیت

ای پسر عمو رشیدم پنجه هات از خون حنا

رسم دامادی نه اینه رو گوشون من کجان

یک حسینی مانده تنها در زمین کربلا

جای آبش تیر دادند کوفیان بی حیا

ای دریغا عیش قاسم در حریر مکه بود

یا که عمه ش کور بادا که باباش زنده بود

با برادر رفته بودم بی برادر آدمم

تاج بر سر رفته بودم خاک بر سر آدمم

عمه عمه، جان عمه

یک چراغی نذر الله تا نمیرد اصغرم

شیر در پستان مادر اصغرم چون می دهد

شیر در پستان مادر اصغرم چون می دهد

راویان

۱- دی نگهدار، ۷۵ ساله، روستای فاریاب از توابع

پشتکوه دشتستان

۲- رباب دلشاد، ۶۰ ساله، بوشهر، چهارمحل

۳- شمسی یاقوت پور، ۷۰ ساله، بوشهر، محله کوتی

۴- سکینه حجری، ۷۵ ساله، بوشهر، محله کوتی

۵- خانم منصوری، ۳۰ ساله، بوشهر

۶- خدیجه احمدی، ۵۰ ساله، بوشهر، محله صلح آباد

شمالی

۷- خاتون محمودی، ۵۰ ساله، بوشهر، صلح آباد

جنوبی

۸- شمسی یاقوت پور، ۷۰ ساله، بوشهر، محله کوتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی